



عشق

من عشق را تنہا زمانے شناختم کہ با عشق تو آشنا شدم

عشق من، دو عشق است، اما ہر دوے آن ہا براے تو ست

اولین آن، عشق بہ عشق تو ست و دیگرے، عشق بہ تو



واما اولے، کہ عشق بہ عشق تو ست، چنین است

ذکر و یاد کامل تو، و نہ [حتے ذرہ اے] منحرف از تو

ودومے: من تو را در ہر آنچہ مشاہدہ می کنم، حاضر می بینم



ستایش‌ها مخصوص نام تو ست، و ستایش از من نیست

شکوه و جلال در یگانگی محض، تنها از آن تو ست

من عشق را از زمانه شناختم که با عشق تو آشنا شدم



اما آن عشقی که دوست داشتن عشق توست

همان مشغول بودن من به یاد تو، از هر آنکه جز تو

از آن هنگام که تو را دیده ام، دیگر دنیا را نمی بینم















